

اخبار و گزارش های کارگری 15 مهرماه 1405

- دومین روز اعتصاب کارگران شاغل کارخانه ایران برک رشت در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق و حق بیمه
- ادامه اعتراضات کارگران اخراجی ایران برک نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با برپایی مقابل کارخانه
- یک هفته اعتصاب تعدادی از کارگران کارخانه فولاد سازان امیر آروان قم در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و یک ماه حق بیمه
- تجمع اعتراضی دانش آموزان یک مدرسه دخترانه کاشان نسبت به تغییر کادر آموزشی و مدیریتی مدرسه مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان با شعار «کادر جدید نمی خواهیم نمی خواهیم»
- اعتصاب معلمان دبیرستان شریعتی آباده در اعتراض نسبت به بی خیالی اداره آموزش و پرورش شهرستان بدنبال ضرب و شتم یک معلم دبیرستان توسط پدر یک دانش آموز با گوشت کوب
- تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان بورسیه و تبدیل وضعیت نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مقابل وزارت علوم
- پنجمین روز اعتصاب غذای #مسعود_فرهیخته معلم زندانی و فعال حقوق بشر به همراه #زرتشت_احمدی_راغب در سلول انفرادی زندان مرکزی کرج در اعتراض به اعدام ها
- درخواست مطالبه گران کف خیابان گیلان از *مسعود فرهیخته* و *زرتشت احمدی راغب* برای پایان دادن به اعتصاب غذا
- ۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام
- با فریاد *نه به اعدام* *زنده باد زندگی* برای نابودی طناب دار و سیستم قتل حکومتی همراه هستیم!
- زن، زندگی، آزادی برای همیشه
- امیررضا علیپور هشتلی در بند ویژه زندان آمل نگهداری می شود
- اعتصاب و تجمع صدها کارگر معدن مس سنتینلا شیلی در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق برای کار مشابه
- رأی 99 درصدی کارگران شرکت تراشه سازی Micron تایوان به اعتصاب در اعتراض به نظام پاداش و سهم از سود
- اعتصاب کارگران نفت و گاز دریای شمال بریتانیا در اعتراض به کاهش دستمزد و تغییر قراردادهای کاری

- اعتصاب کارگران شرکت برق آمریکا در اعتراض به ناامنی شغلی، برون‌سپاری و مشکلات ایمنی
برای هفتمین روز متوالی

*دومین روز اعتصاب کارگران شاغل کارخانه ایران برک رشت در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها
حقوق و حق بیمه

ادامه اعتراضات کارگران اخراجی ایران برک نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با برپایی مقابل
کارخانه

روز چهارشنبه 15 مهر برای دومین روز متوالی، کارگران شاغل کارخانه ایران برک رشت به
اعتصابشان در اعتراض به عدم پرداخت ماه ها حقوق و حق بیمه، ادامه دادند.

روز سه شنبه 14 مهر، کارگران اخراجی ایران برک در ادامه اعتراضات دامنه دارشان نسبت به
بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل کارخانه، تجمع کردند.



کارگران ایران برک رشت که گروهی از آن‌ها از ابتدای سال از کار کنار گذاشته شده و طی حدود دو ماه گذشته برای تعیین تکلیف وضعیت خود و دریافت مطالباتشان تجمع و پیگیری کرده‌اند، روز گذشته (چهاردهم شهریور) بار دیگر مقابل کارخانه تجمع کردند؛ همزمان کارگران شاغل در داخل کارخانه نیز در اعتراض به معوقات مزدی و پرداخت نشدن حق بیمه از ابتدای سال دست از کار کشیدند و این اعتصاب امروز نیز ادامه دارد.

گروهی از کارگران که از ابتدای سال از کار کنار گذاشته شده‌اند، طی حدود دو ماه گذشته با مراجعه به نهادهای مسئول و برگزاری تجمع، خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی و پرداخت مطالبات خود بوده‌اند و در مقابل، کارگران شاغل در کارخانه نیز به‌دلیل تداوم معوقات حقوقی و پرداخت نشدن حق بیمه، از روز گذشته دست به اعتصاب زده‌اند.

کارگرانی که از ابتدای سال در کارخانه حضور ندارند، طی این مدت به نهادهایی از جمله اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، فرمانداری و استانداری مراجعه کرده‌اند، اما به گفته آن‌ها، این پیگیری‌ها هنوز به نتیجه مشخصی نرسیده است .

یکی از کارگران اخراجی به خبرنگار رسانه ای گفت: نزدیک دو ماه است که تجمع می‌کنیم. به همه‌جا رفتیم؛ اداره کار، تأمین اجتماعی، استانداری و فرمانداری. همه جا سر زدیم و صدایمان را رساندیم، اما هنوز کسی جواب مشخصی به ما نداده است .

او ادامه داد: ما که بیرون هستیم، بلا تکلیف مانده‌ایم. از نظر مالی هم هیچ حمایتی از ما نشده است .

وی با اشاره به وضعیت بیمه کارگران گفت: حق بیمه از ابتدای سال پرداخت نشده است. ما حتی رفتیم تأمین اجتماعی و گفتیم چطور ممکن است بیمه کارگران پرداخت نشده باشد و شما پیگیری نکنید؟

این کارگر درباره پیگیری‌های انجام‌شده افزود: این‌ها به استانداری، فرمانداری و اداره کار استان تعهداتی داده بودند، ولی بعد از آن هیچ حقوقی و هیچ بیمه‌ای برای پرسنل پرداخت نشد .

او اضافه کرد: دیروز هم نماینده دادستان استان آمده بود. ما همه مشکلات را گفتیم و گفتیم این‌ها به تعهداتشان عمل نکرده‌اند .

او همچنین گفت: در ماه‌های اخیر مدیرعاملی نیز برای کارخانه تعیین شده بود، اما این مدیرعامل به‌تازگی از سمت خود کنار گذاشته شده است .

وی افزود: مدیرعاملی هم تعیین کرده بودند که حدود دو، سه ماه بود آمده بود، ولی الان دو روز است که برکنارش کرده‌اند؛ بنا به دلایلی که برای ما کارگران معلوم نیست .

در کنار معوقات حقوق و بیمه، حالا موضوع دیگری نیز نگرانی کارگران را بیشتر کرده است؛ نگرانی بابت فروش برخی اموال کارخانه .

این کارگر در این رابطه گفت: چند روزی است که نگرانیم که نکند دست به فروش اموال باارزش کارخانه بزنند.

او البته تأکید می‌کند که کارگران درباره نحوه انجام این کار اطلاعات کاملی ندارند.

این کارگر درباره میزان مطالبات کارگران گفت: ما همکاری داریم که هر کدام بابت سنوات و سایر مطالبات، 200 میلیون، 250 میلیون و حتی 300 میلیون تومان طلب دارند .

وی درباره وضعیت فعلی کارگران داخل کارخانه نیز گفت: الان همکاران ما داخل کارخانه هستند و دارند کار می‌کنند، ولی الان ماه هفتم سال است و معوقات بیمه پرداخت نشده و معوقات حقوق هم دارند .

به گفته او، همین وضعیت باعث شده کارگران شاغل در کارخانه از روز گذشته دست از کار بکشند و خواستار تعیین تکلیف حقوق و بیمه خود شوند .

این کارگر درباره پیگیری‌های کارگران اضافه نمود: ما نزدیک هفت، هشت نفر هستیم که خیلی پیگیر این موضوعیم. دو ماه است داریم پیگیری می‌کنیم؛ استانداری می‌رویم، فرمانداری می‌رویم، تأمین اجتماعی می‌رویم و همه جا دنبال مطالباتمان هستیم.

او همچنین درباره حضور نیروهای بازنشسته در کارخانه گفت: کسانی که با سختی و زیان‌آور بازنشسته شده‌اند، الان دوباره در شرکت مشغول به کار شده‌اند، ولی ما که بلا تکلیف هستیم و دنبال مطالباتمان هستیم، کسی جوابگو نیست.

این کارگر در پایان گفت: «کسی جوابگوی مطالبات حقوقی، مالی و بیمه‌ای ما در آن شرکت نیست.

***یک هفته اعتصاب تعدادی از کارگران کارخانه فولاد سازان امیر آروان قم در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و یک ماه حق بیمه**

یک هفته است که 30 کارگر قطعه زن و سوراخ و گیوتین کار کارخانه فولاد سازان امیر آروان واقع در شهرک صنعتی شکوهیه قم برای اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه حقوق و یک ماه حق بیمه در اعتصاب بسر می‌برند.

برپایه گزارش منتشره در شبکه اجتماعی بتاریخ 15 مهر، کارگران اخراجی این کارخانه به دلیل پرداخت نشدن بیمه تیرماه نتوانسته‌اند از بیمه بیکاری استفاده کنند و مراجعات کارگران برای دریافت حقوق و رد شدن لیست بیمه‌های عقب افتاده تاکنون بی جواب مانده است و موکول به فرادهای نامعلوم می‌شود.

خاطر نشان می‌شود که شرکت فولادسازان امیر آروان با 3 کارخانه در تهران، خرم‌آباد و قم، یکی از شرکت‌های گروه مسعود عبدی به حساب می‌آید که شرکتی فعال در زمینه تولید و بازرگانی فرآورده‌های فولادی، سازه‌های فلزی صنعتی، پتروشیمی و ساختمانی است و طیف گسترده‌ای از محصولات فولادی را شامل مقاطع طویل فولادی، مقاطع تخت فولادی، ورق‌های فولادی، میلگرد، نبشی، ناودانی، تیرآهن، لوله‌های فولادی و پروفیل‌های فولادی را تولید و عرضه می‌کند. این شرکت همچنین در زمینه ساخت و سازه‌های فلزی سنگین، صنعتی، پتروشیمی، ساختمانی از جمله سوله، اسکلت فلزی در انواع تناژ، پل‌های زنبوری، پل‌عابر پیاده، مخازن و تجهیزات صنعتی نیز فعالیت دارد.

***تجمع اعتراضی دانش‌آموزان یک مدرسه دخترانه کاشان نسبت به تغییر کادر آموزشی و مدیریتی مدرسه مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان با شعار «کادر جدید نمی‌خوایم نمی‌خوایم»**

براساس فیلم منتشره در شبکه‌های اجتماعی، روز چهارشنبه 15 مهر، دانش‌آموزان یک مدرسه دخترانه کاشان برای اعتراض به تغییر کادر آموزشی و مدیریتی مدرسه دست به تجمع مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان در استان فارس با شعار «کادر جدید نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، زدند.

/تجمع اعتراضی دانش‌آموزان یک مدرسه دخترانه در کاشان

صبح امروز جمعی از دانش‌آموزان یکی از مدارس متوسطه دخترانه شهر کاشان در اعتراض به تغییر کادر آموزشی و مدیریتی مدرسه، مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن حمایت از تجمعات به حق و مدنی دانش آموزان در ایران ، خواهان رسیدگی به مطالبات به حق کودکان و نوجوانان این سرزمین است .

***اعتصاب معلمان دبیرستان شریعتی آباده در اعتراض نسبت به بی خیالی اداره آموزش و پرورش شهرستان بدنبال ضرب و شتم یک معلم دبیرستان توسط پدر یک دانش آموز با گوشت کوب**

طی 2 روز گذشته خبری مبنی بر اعتصاب معلمان دبیرستان شریعتی آباده، استان فارس در اعتراض نسبت به بی خیالی اداره آموزش و پرورش شهرستان بدنبال ضرب و شتم یک معلم دبیرستان توسط پدر یک دانش آموز با گوشت کوب، در شبکه اجتماعی و رسانه ها منتشر شد.

این گزارش ها، حاکی از آن است که یکی از اولیای دانش آموز با گوشت کوب به سر یکی از دبیران دبیرستان دکتر علی شریعتی شهرآباد زده و دبیران این دبیرستان در اعتراض به این اقدام و بی تفاوتی آموزش و پرورش، از رفتن به کلاس خودداری کردند.

گفته شده، پدر این دانش آموز در اعتراض به اینکه چرا یکی از دبیران، فرزندش را از کلاس اخراج کرده، با گوشت کوب به سر دبیر مربوطه زده، در حالی که علت اخراج دانش آموز، بی انضباطی در کلاس و نافرمانی بوده است.

در این مطلب از بی تفاوتی آموزش و پرورش به حقوق معلمان گلایه و بیان شده که سال گذشته ولی یک دانش آموز بدون دلیل در دبیرستان شهید مدافع حرم قاسم پور، به خاطر نمره کم فرزندش، به صورت معلم سیلی زد و آموزش و پرورش به جای اینکه از دبیر حمایت کند، او را از آن مدرسه برد.

در پایان نیز بیان شده که اگر رئیس آموزش و پرورش اقدام نکند، دبیران آباده ای سر کلاس های خود نمی روند.

***تجمع اعتراضی جمعی از متقاضیان بورسیه و تبدیل وضعیت نسبت به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مقابل وزارت علوم**

روز سه شنبه 14 مهر، جمعی از متقاضیان بورسیه و تبدیل وضعیت برای اعتراض به بلاتکلیفی استخدامی و وعده های توخالی مقابل وزارت علوم در تهران تجمع کردند و خواستار تعیین تکلیف فوری وضعیت استخدامی شان شدند.



تجمع‌کنندگان در تشریح مطالبات خود گفتند: در سال‌های اخیر صدور ردیف‌های استخدامی برای اعضای هیأت علمی با مشکلاتی مواجه شده و وضعیت بورسیه‌ها نیز به دلیل بلاتکلیفی میان دستگاه‌های مختلف، پیچیده‌تر شده است.

آنها با اشاره به هزینه‌های انجام‌شده برای بورسیه‌های خارج از کشور اظهار کرد: دولت برای برخی از بورسیه‌ها هزینه‌های قابل توجهی - در برخی موارد و با دلار امروز حدود 300 میلیارد - از جمله شهریه، مقرری و هزینه بلیت رفت و برگشت پرداخت کرده است؛ با این حال، پس از پایان دوره تحصیل و بازگشت این افراد به کشور، آنان همچنان درگیر فرایند صدور ردیف و کد استخدامی هستند.

تجمع‌کنندگان با بیان اینکه برخی از این افراد پس از بازگشت به کشور در میان وزارت علوم، سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه بلاتکلیف مانده‌اند، گفتند: ما برگشتیم و در یک مثلث بین این سه دستگاه گیر افتادیم و هر کدام توپ را به زمین دیگری می‌اندازند.

به گفته آنها، برخی از متقاضیان بیش از دو سال است که در دانشگاه محل تعهد خود، بدون برخورداری از وضعیت استخدامی رسمی، مشغول به کار هستند.

یکی از تجمع‌کنندگان در توضیح وضعیت شخصی خود نیز گفت: بیش از دو سال است در یکی از دانشگاه‌های دولتی به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌کنم و با وجود عضویت در بنیاد ملی نخبگان و پیگیری این بنیاد برای دریافت ردیف استخدامی، تاکنون این موضوع به نتیجه نرسیده است.

تجمع‌کنندگان گفتند: اختلاف نظر میان دستگاه‌های مسئول، از جمله درباره مدارک مورد نیاز، مجوزهای استخدامی و تأمین اعتبار، موجب طولانی‌شدن روند تعیین تکلیف این افراد شده است.

آنها افزودند: سازمان اداری و استخدامی بر ارسال ردیف‌ها و مدارک در قالب مشخص تأکید دارد، وزارت علوم اعلام می‌کند درخواست‌ها را ارسال کرده و ایرادهایی که مطرح می‌شود بهانه‌تراشی است. سازمان برنامه و بودجه نیز موضوع تأمین اعتبار را مطرح می‌کند.

تجمع‌کنندگان با اشاره به روند جذب هیأت علمی گفتند: مشکلات برخی از افرادی که از مسیر فراخوان‌های جذب هیأت علمی اقدام کرده بودند، به‌تدریج حل شده، اما نوبت تعیین تکلیف بورسیه‌ها که رسیده، روند صدور ردیف‌های استخدامی همچنان متوقف مانده است.

آنها گفتند: وعده داده شده بود که پس از طی فرایندهای مربوط، حداکثر تا پیش از آغاز سال تحصیلی و در آستانه مهرماه، ردیف‌های استخدامی صادر شود، اما این اتفاق نیفتاده است.

***پنجمین روز اعتصاب غذای #مسعود_فرهیخته معلم زندانی و فعال حقوق بشر به همراه #زرتشت_احمدی_راغب در سلول انفرادی زندان مرکزی کرج در اعتراض به اعدام‌ها**

چهارشنبه 15 مهر

درخواست مطالبه گران کف خیابان گیلان از *مسعود فرهیخته* و *زرتشت احمدی راغب *

برای پایان دادن به اعتصاب غذا

یار مطالبه‌گران کف خیابان، اسوه‌ی پایداری، جناب آقای مسعود فرهیخته!

آنجا که همه‌ی راه‌ها بر روی فریاد بسته می‌شود، مبارزان راه آزادی، تن خویش را به واپسین سنگر، بدل می‌کنند. اعتصاب غذا در زندان، آخرین سلاح بی‌سلاحان است؛ سلاحی که در آن، گرسنگی به پرچم تبدیل می‌شود و چهره‌ی کریه حامیان حاکمان نظام سرمایه‌داری را در برابر چشم تاریخ عریان می‌کند.

شما در سومین ماه انفرادی، پشت دیوارهای بی‌پنجره، صدایی را به بیرون فرستادید که از هر تربیونی رساتر بود. وقتی مهر را "ماه مهربانی" خواندید و از نسلی گفتید که با گلوله و تفنگ، بیگانه است، دیوارهای انفرادی در همان لحظه فرو ریخت؛ چرا که زنجیر برپا می‌نشیند، نه بر اندیشه، و واژه‌ای که به خیابان رسید، دیگر هیچ سلولی را یارای بازپس‌گرفتنش نیست. نسلی که از او سخن گفتید، امروز پرچم پرسشگری را بالا برده و پاسخ شما را با گام‌هایش بر سنگفرش خیابان‌ها می‌نویسد؛ و ما که حاملان این پاسخیم، سوگند خورده‌ایم آن را تا آخرین خیابان ببریم. سخن شما در دل سرمای انفرادی خاموش نشد؛ شعله شد.

ما مطالبه‌گران کف خیابان گیلان، با آگاهی از روح بزرگ آزادیخواهی شما، معلم مبارزی که به حق، سرآمد مبارزان راه آزادی بوده و جامعه به وجودش باور دارد و بدان افتخار می‌کند، می‌دانیم که هر روز اعتصاب شما از بدنی می‌کاهد که امانت این جنبش است. تن شما سنگر جنبش ماست. زندانبان بر فرسودگی جسم شما قمار می‌کند، و ما نمی‌گذاریم او در این قمار پیروز شود؛ پیروزی از آن کسی ست که بماند، بایستد و پرچم را تا صبح رهایی برافراشته نگه دارد.

از این رو ضمن پای فشردن بر اصول بنیادی خود، از شما و رفیق همراهتان، جناب آقای *زرتشت احمدی‌راغب*، می‌خواهیم اعتصاب غذا را پایان دهید. پیام شما چون ناقوسی در شهر، طنین انداز شده است و اکنون نوبت ماست که طلایه دار این رزونانس آزادی باشیم. میدان سه‌شنبه‌های "نه به اعدام" را به ما بسپارید؛ ما چون گذشته با فریاد "نه به اعدام" در کف خیابان، آرمان‌های شما و همراه ارزشمندتان را زنده نگه می‌داریم و تا روزی که جای شما در کلاس درس خیابان، خالی ست، از پا نمی‌نشینیم.

از ترس عبور کردیم به خشم رسیدیم

مطالبه گران کف خیابان گیلان ۱۵ مهرماه ۱۴۰۵

کانال فرهنگیان البرز

*۱۰ اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام

با فریاد *نه به اعدام* *زنده باد زندگی* برای نابودی طناب دار و سیستم قتل حکومتی همراه هستیم!

ماشین اعدام زندگی و عشق و شادی را سلاخی می کند تا انتقام خود را از اعتراضات حق طلبانه مردم بگیرد .

همراه با مردمی که عزمشان را برای صیانت از عشق و شادی و زندگی جزم کرده اند و در مسیر حق خواهی جانفشانی می کنند، فریاد میزنیم :

زندگی حق ماست

اعدام قتل عمد حکومتیست

اعدام برای هیچکس

اعدام را متوقف کنید!

زنده باد زندگی

شادی رفاه آزادی

زن زندگی آزادی

ندای زنان ایران

مهر ۱۴۰۵

*زن، زندگی، آزادی برای همیشه

رها بهلولی‌پور، دانشجوی دانشگاه تهران، در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ کشته شد و آخرین پیام او «زن، زندگی، آزادی برای همیشه» بود. این یادداشت مرگ او را ادامه‌ی مستقیم خیزش‌های

شهریور ۱۴۰۱ (جنبش ژینا) می‌داند و تأکید می‌کند که آرمان آزادی از یک شعار فراتر رفته و در حافظه جمعی جامعه ریشه دوانده است. نویسنده معتقد است سرکوب نمی‌تواند این ایده‌ها را از میان ببرد و قیام برای آزادی به‌صورت پیوسته ادامه دارد.

«زن، زندگی، آزادی برای همیشه» آخرین کلمات ثبت‌شده از رها بهلولی‌پور، از کشته‌شدگان دی‌ماه خونین ۱۴۰۴.

خط زمان همواره بی‌پروا رو به سمت جلو حرکت می‌کند و یکی از محدود چیزهایی که با خود همراه می‌کند، تاریخ است. و تاریخ همان چیزی است که ما نخواستیم، نمی‌خواهیم و یا نمی‌توانیم فراموش کنیم.

شهریورماه ۱۴۰۱ نقطه آغاز قیامی بود که آزادگان واقعی مسیرش، همچنان ایستاده‌اند و به هیچ شکل از هدف خود، یعنی آزادی، پا پس نخواهند کشید. قیامی برای جنبش «زن، زندگی، آزادی.»

چنان‌که در وضعیت دهشتناک شب ۱۸ و پس از آن، ۱۹ دی، در میان قطع اینترنت و شبکه‌های مخابراتی، چند دقیقه وصل شدن به اینترنت برای رها، فرصتی باشد که از هدف والای زن، زندگی، آزادی بنویسد.

و همین نوشته بعدها، یعنی بعد از مرگ او، تبدیل به فریادی بلند شود که این تنها یک شعار نیست! این هدف، و ایده‌ای است که از کنه وجود ما انسان‌های آزادی‌خواه برخاسته و به هیچ شکل و صورتی به چیزهایی که اصلاح‌طلبان و جاویدشاه‌گویان‌ها و دیگر گروه‌ها می‌خواهند، تقلیل نخواهد یافت.

کشته‌شدن او در دی‌ماه ۱۴۰۴، تنها به عنوان یک معترض ثبت نشد. آنچه این واقعه را به مسئله‌ای سیاسی تبدیل می‌کند، موضوعی بود که او، حتی در دقایق پیش از مرگش، به‌صراحت درباره‌ی زن، زندگی، آزادی بیان کرده بود.

در نوشته‌ها و گفته‌هایش بارها از شوری سخن می‌گفت که انقلاب «ژن، ژیان، نازادی» در جانش انداخته است. بارها به ملتی اشاره می‌کرد و نگرانی جان‌کسانی را داشت، که در ۱۴۰۱، برای نخستین‌بار به شکلی گسترده، رنج زن را دیدند، برای زن به پا خواستند و خواسته‌های خود را در برابر ساختار سیاسی، در خیابان‌ها فریاد زدند.

برای او، آن اعتراض‌ها یک واقعیتی پایان‌یافته در گذشته به علت سرکوب نبود؛ نقطه آغاز مسیری بود که هنوز ادامه داشت. او باور داشت که مطالباتی که در سال ۱۴۰۱ به شکل خیابانی و شورشی مطرح شدند، اگرچه در آن زمان سرکوب شدند، اما از میان نرفتند و بلکه حتی شدیدتر، چشم آزادگان را بازتر کردند.

برای او، همان‌گونه که اظهار داشت، شال به دور گردن پس از ژینا، خفه‌کننده‌تر بود و مسئله حجاب نیست؛ مسئله بند و زنجیری است که سالیان سال، به دست و پای زنان بستند و اینک زمان رهایی است. رهایی از هر زنجیری که نه فقط زن، که انسان را به بند می‌کشد.

«زن، زندگی، آزادی» از خیابان به حافظه رفت، از حافظه به زندگی روزمره، و دوباره به خیابان بازگشت.

اگر شهریور ۱۴۰۱ با نام ژینا آغازگر یکی از گسترده‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین خیزش‌های اعتراضی معاصر ایران شد، دی‌ماه ۱۴۰۴ را نمی‌توان جدا از آن تاریخ فهمید. زیرا نمی‌توان هر موج اعتراض را جدا از دیگری دید و هر بار، تاریخ را از نقطهٔ صفر آغاز کرد. چرا که تاریخ اعتراضات، پیوسته است و رها نیز، جایی میان همین تاریخ ایستاده بود.

چند کلمه‌ی آخر، یادداشتی در میان هزاران نوشته‌ی روزمره نبود. «زن، زندگی، آزادی» از شهریور ۱۴۰۱ عبور کرده و به دی‌ماه ۱۴۰۴ رسیده بود و بارها در این فاصله، سرکوب شد، بارها انکار شد و بارها تلاش شد که تقلیل‌یافته شود اما چنان که در کلمات پایانی رها مشاهده می‌شود، همچنان معنای خود را حفظ کرده است.

از این جهت، کشته شدن رها را نمی‌توان از واقعه‌ی ۱۴۰۱ جدا کرد. همان‌طور که شهریور ۱۴۰۱ را نمی‌توان از تمام آنچه پیش و پس از آن رخ داده، جدا کرد. هر اعتراض، هر فریاد، و هر انسانی که در برابر اجبار و زنجیر جبر ایستاد، بخشی از زنجیره‌ای است که امروز به این نقطه رسیده است.

و علی‌رغم تلاش عده‌ای برای قطع این پیوند، به علت وجود حافظه‌ی جمعی، که ۱۴۰۱ را تجربه کرده بود و دی‌ماه ۱۴۰۴ را به چشم دید، این پیوند قطع‌ناپذیر است. وقتی نسلی چیزی را تجربه می‌کند، نمی‌توان با تغییر مدام واقعیت و نشان دادن آن به شکل و شیوه‌های متفاوت، آن تجربه را از ذهن پاک کرد.

وقتی زنی در خیابان برای حق انتخاب خود می‌ایستد، وقتی انسانی برای آزادی به خیابان می‌رود و وقتی انسانی پیش از کشته شدنش، با کلمه، آن آرمان را ثبت می‌کند، این اتفاقات منفصل از یکدیگر نیستند.

از ژینا تا رها، تنها نام‌ها تغییر نکرده‌اند؛ زمان گذشته است اما خواسته همچنان پایدار مانده است. چرا که فریاد جاودان ما، به تیغ ظلم نخواهد مرد، که حتی از خونمان رهایی جوانه خواهد زد که مقصودش آزادی خواهد بود.

و «برای همیشه» که رها به دنبال «زن، زندگی، آزادی» نوشت، همین امتداد تاریخی را در بر می‌گیرد. ایده قرار نیست با یک خیزش متولد شود و با سرکوب همان خیزش، بمیرد. زن، زندگی، آزادی قرار نیست به ۱۴۰۱ محدود بماند، همان‌گونه که به دی‌ماه ۱۴۰۴ محدود نخواهد ماند.

پس «زن، زندگی، آزادی» برای همیشه، تنها آخرین نوشته از رها نیست؛ بخشی از روایتی است که از شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد، از دی‌ماه عبور کرد و همچنان در حافظه‌ی کسانی باقی‌مانده است که آزادی را نه یک شعار، که حق انسان می‌دانند.

و هیچ سرکوبی نمی‌تواند ایده‌ای را که در حافظه‌ی یک جامعه ریشه دوانده، صرفاً با گذشت زمان از میان ببرد.

دی‌ماه، نقطه‌ی پایان نخواهد بود. اگر آن روزها نام ژینا را فریاد زدیم و خواهیم زد، امروز نام رها را بر همان فریاد آزادی‌خواه می‌افزاییم. نه برای آن‌که مرگ را ادامه‌ی راه بدانیم، بلکه برای آن‌که روشن باشد آنچه برایش ایستادند، هنوز مسئله‌ی ماست.

ژینا آغاز خیزش بود؛ و رها ادامه‌ی آن.

و آنچه در میان و در پس این خط ایستاده، آرمان انسانی‌ست که هنوز تسلیم نشده است:

زن، زندگی، آزادی

برای همیشه.

نویسنده این سطور از نزدیکان #رها_بهلولی‌پور دانشجوی زبان و ادبیات ایتالیایی دانشگاه تهران است که در شب ۱۹ دی‌ماه سال ۱۴۰۴ توسط مأموران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با شلیک گلوله به قتل رسید.

یک لحظه وصل شدم و فقط می‌خوام بنویسم زن، زندگی، آزادی

برگرفته از کانال دانشگاه تهران- دانشجو

***امیررضا علیپور هشتلی در بند ویژه زندان آمل نگهداری می‌شود**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، امیررضا علیپور هشتلی، فعال سیاسی و دانشجوی سابق دانشگاه علامه طباطبائی، پس از انتقال به زندان آمل، چند هفته در بند ویژه این زندان و در کنار زندانیان جرایم خطرناک نگهداری شده است. او در این مدت با یک متهم به عضویت در داعش هم‌بند بوده است.

بر اساس اطلاعات رسیده، علیپور در پی درگیری با فرد متهم به عضویت در داعش آسیب دیده و مدتی در بهداری زندان آمل تحت مراقبت بوده است.

***اعتصاب و تجمع صدها کارگر معدن مس سنتینلا شیلی در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق برای کار مشابه**

روز چهارشنبه ۷ اکتبر، بیش از ۷۰۰ کارگر معدن مس سنتینلا شیلی، پس از شکست مذاکرات و میانجی‌گری اجباری با شرکت، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از سوی دو سندیکای کارگران معدن سازمان‌دهی شده و بخشی از نیروی کار مستقیم معدن را دربر می‌گیرد.

سندیکاهای اعتصاب‌کننده می‌گویند محور اصلی اختلاف، تفاوت در دستمزد و مزایای کارگرانی است که وظایف مشابه انجام می‌دهند اما تحت قراردادهای جمعی متفاوت قرار دارند. نمایندگان کارگران اعلام کرده‌اند که شرکت در جریان میانجی‌گری دولتی نتوانسته است پیشنهاد قابل قبولی برای رفع این تفاوت‌ها ارائه کند.

آخرین پیشنهاد شرکت شامل ۲ درصد افزایش واقعی دستمزد پایه، ۲۲/۵ میلیون پزو پاداش پایان مذاکرات، وام کم‌بهره ۳/۵ میلیون پزویی و بهبود برخی مزایا بود، اما سندیکاها این پیشنهاد را نپذیرفتند.

شرکت معدن سنتینلا اعلام کرده است که با وجود آغاز اعتصاب، پیش‌بینی تولید فعلاً بدون تغییر باقی می‌ماند و برای ادامه مذاکرات با نمایندگان کارگران آمادگی دارد.

***رأی 99 درصدی کارگران شرکت تراشه‌سازی Micron تایوان به اعتصاب در اعتراض به نظام پاداش و سهم از سود**

روز چهارشنبه 7 اکتبر، اتحادیه کارگران شرکت آمریکایی Micron Technology در شهر تائویوان تایوان اعلام کرد که 99 درصد از 1994 کارگری که در رأی‌گیری شرکت کردند، به مجوز اعتصاب رأی داده‌اند.



اختلاف اصلی بر سر نظام پاداش و سهم کارگران از سود شرکت است. اتحادیه خواهان ایجاد یک سازوکار دائمی برای مشارکت کارگران در سود است و می‌گوید بسته پاداش سال مالی 2026 بدون توافق با اتحادیه اعلام شده است. شرکت Micron حدود 15 هزار کارگر در تایوان استخدام کرده و اتحادیه‌های آن بیش از 80 درصد نیروی کار محلی را نمایندگی می‌کنند.

هنوز تاریخ اعتصاب مشخص نشده، اما اتحادیه اعلام کرده جزئیات اقدام اعتراضی در دست بررسی است. همچنین قرار است 19 اکتبر در تاییه تجمعی برگزار شود که اتحادیه تأکید کرده این تجمع، اعتصاب نیست.

***اعتصاب کارگران نفت و گاز دریای شمال بریتانیا در اعتراض به کاهش دستمزد و تغییر قراردادهای کاری**

از سه شنبه شب (6 اکتبر) تا پایان روز چهارشنبه 7 اکتبر، کارگران فراساحلی شرکت Wood Group در چند سکوی نفت و گاز دریای شمال بریتانیا دست به اعتصاب 48 ساعته زده‌اند. این اعتصاب سکوهایی Britannia، Jasmine، Judy، Lomond و North Everest را دربرمی‌گیرد و تکنسین‌های تولید، برق، ابزار دقیق و مکانیک در آن شرکت دارند.

اعتراض بر سر کاهش دستمزد و تغییر شرایط استخدامی است و اتحادیه‌ها همچنین نسبت به احتمال اجرای سیاست «اخراج و استخدام مجدد» (fire and rehire) هشدار داده‌اند. اعتصاب‌های بعدی برای 20 و 21 اکتبر و 3 و 4 نوامبر برنامه‌ریزی شده و اعضای RMT نیز از 8 اکتبر اضافه‌کاری را متوقف خواهند کرد.

در همین حال، 160 کارگر فراساحلی شرکت Apache نیز در رأی‌گیری اتحادیه Unite به اعتصاب رأی داده‌اند. هنوز تاریخ اعتصاب آنها تعیین نشده، اما اتحادیه گفته اقدام اعتراضی ممکن است در همین ماه آغاز شود. اختلاف آنها نیز بر سر دستمزد است و اتحادیه پیشنهاد شرکت را کاهش واقعی دستمزد می‌داند.

***اعتصاب کارگران شرکت برق آمریکا در اعتراض به ناامنی شغلی، برون‌سپاری و مشکلات ایمنی برای هفتمین روز متوالی**

روز چهارشنبه 7 اکتبر، اعتصاب حدود هزار کارگر شرکت برق Duquesne Light در پیتسبورگ آمریکا وارد هفتمین روز شد. کارگران عضو اتحادیه کارگران برق آمریکا (IBEW) Local 29 پس از پایان قرارداد جمعی و شکست مذاکرات، از اول اکتبر دست از کار کشیده‌اند.



حدود 400 کارگر و حامیان آنها روز چهارشنبه در برابر یکی از مراکز شرکت در پیتسبورگ تجمع کردند و بر ادامه اعتصاب تا دستیابی به توافق تأکید کردند. محورهای اصلی اعتراض شامل بهبود ایمنی محیط کار، افزایش نیروی انسانی، مقابله با برون‌سپاری، امنیت شغلی، دستمزد، مزایای بازنشستگی و درمان بازنشستگان و حق سازمان‌یابی کارگران برخی مشاغل است.

نمایندگان اتحادیه می‌گویند در مذاکرات درباره برون‌سپاری و استفاده از فناوری پیشرفتهایی حاصل شده، اما موضوعاتی مانند ایمنی، دستمزد، مزایای بازنشستگی و درمانی و حق سازمان‌یابی همچنان حل نشده است. شرکت Duquesne Light نیز اعلام کرده برای ادامه خدمات برق از کارکنان غیراتحادیه‌ای و پیمانکاران استفاده می‌کند و مذاکرات را ادامه خواهد داد.

برای دریافت روزانه اخبار و گزارش‌های کارگری، نشانی پست الکترونیکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

akhbarkargari2468@gmail.com